

خبر

نمایشی از «کار در ایران» با فرض و بدمکاری!

«استاد کارپردی اداری هر ۱۰ سال از بین می‌روند. بسیاری از ابزارها و تجهیزات قدیمی کار به ضایعات تبدیل می‌شوند. حتی بسیاری از کتاب‌های قدیمی درباره کار و مشاغل از بین رفته‌اند. کتاب‌های قدیمی را خیلی مشکل می‌توان پیدا کرد، جلوه‌های فرهنگی کار در ایران باستان در حال از دست رفتن است، فکر کردیم باید میراث باقی‌مانده را در جایی شبیه موزه جمع کنیم.»

محمدتقی علی حسینی روزگاری وابسته کار ایران در آلمان بود؛ یکی از چند کشوری که موزه کار دارد. او حوالی سال ۱۳۸۱ وقتی به ایران برمی‌گردد طرح موزه کار را به وزیر وقت کار می‌دهد، وزیر عوض می‌شود و طرح می‌ماند تا سال ۱۳۹۹، که با پیشنهاد اختصاص یکی از «سوله‌های پارس الکترونیک» در جاده کرچ، قرار می‌شود موزه کار راه‌اندازی شود. حسینی می‌گوید: راه دور بود و پول زیادی در حد ۲۰ میلیارد تومان لازم بود تا آن سوله به موزه تبدیل شود. این‌طور می‌شود که وزیر وقت کار با شهرداری وارد مذاکره می‌شود تا یکی از ساختمان‌های تاریخی داخل شهر تهران را به موزه کار اختصاص دهند. حالا این موزه در ساختمانی که قبلاً بنیاد امیرکبیر بوده و توسط خانواده دکتر حبیبی اداره می‌شده، برپا شده است.

خانه باغی در محدوده شرق اتوبان صیاد شیرازی تهران، در خیابان اجاره‌دار که پیش‌تر متعلق به مالک («میلمان دقت») بود و شهرداری در سال ۱۳۸۵ آن را از ورثه خریداری کرد و مدتی در اختیار بنیاد امیرکبیر و خانواده دکتر حبیبی بود و حالا هم موزه کار شده است.

محمدتقی علی حسینی - مدیر موزه کار - داستان شکل‌گیری آن را برای ایسنا این‌طور تعریف می‌کند: تشکیل موزه ملی کار از مدت‌ها قبل در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی مطرح بود، ولی هیچ‌گاه به مرحله اجرا نریدیم، تا بالاخره با موافقت آقای شریعت‌مداری-وزیر وقت تعاون، کار و رفاه اجتماعی - مقرر شد مراحل اجرایی آن شروع شود. بعدها در جلسات متعدد با وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، آن‌جمله اداره کل موزه‌ها، موضوع بررسی شد.

او ادامه می‌دهد: برای راه‌اندازی موزه کار، مشکل فضا داشتیم. قرار بود در جاده مخصوص کرچ در سوله پارس الکترونیک سائنی را به موزه اختصاص دهند، اما به دلیل بُعد مسافت و هزینه‌ای که در حدود ۲۰ تا ۲۵ میلیارد تومان برای آماده‌سازی این فضا پیش‌بینی شده بود و از طرفی هم زمان زیادی برای آماده‌سازی صرف می‌شد، به نتیجه نرسید تا این‌که وزیر پیشین تعاون، کار و رفاه اجتماعی با شهردار تهران صحبت کرد تا فضایی را در داخل شهر تهران به موزه کار اختصاص دهد.

حسینی به ساختمانی که اکنون در اختیار موزه کار قرار گرفته است، اشاره می‌کند و می‌گوید: تا سال ۱۴۰۰ خانواده دکتر حبیبی در همین ساختمان بنیاد امیرکبیر را اداره می‌کردند که آن‌ها به تجریش منتقل شدند و ساختمان که جزو اموال شهرداری بود به موزه کار اختصاص داده شد. این ملک مسکونی را شهرداری در سال ۱۳۸۵ از ورثه آن که شخصی به نام «میرشکار» بود خریداری کرد. ساختمان متعلق به صاحب ملل دقت بود. ملک شخصی و خانه باغ بود و در دوره پهلوی توسط آقای لرازد، معمار شهیر ایران - ساخته شد، برای همین فضای داخلی و باغ آن، برای مردم جذابیت دارد و درهای موزه باز است و اهالی، بویژه خانم‌ها از محوطه آن بسیار استفاده می‌کنند.

مدیر موزه کار اضافه می‌کند: این موزه درحال حاضر حدود ۴۰۰ تا ۵۰۰ میلیون تومان بدهکار است. تا حالا هم سعی کردیم با حداقل هزینه، این موزه را راه‌اندازی کنیم. اگر قرار بود موزه‌ای در این سطح راه‌اندازی شود حتماً چند میلیارد هزینه صرف می‌کرد، ولی ما با حداقل شرایط و هزینه، موزه کار را در تهران راه‌اندازی کردیم.



به گزارش خبرنگار ایلنا، پروژه بررسی‌های باستان‌شناسی فراگیر در کرانه‌ها و جزایر خلیج فارس و سواحل مکران ازجمله پروژه‌هایی است که سال گذشته در پژوهشگاه میراث‌فرهنگی و گردشگری مصوب شد و اکنون نخستین فصل حدود ۳ ماه است که در سه شیکه ۵۰ه در ۵۰ کیلومتر توسط سه تیم در مناطقی از سواحل خوزستان و دو منطقه در سواحل بوشهر آغاز شده. البته تیم جدیدی نیز برای شناسایی در هرمزگان اعزام شده‌اند. همچنین تمام جزایر خلیج فارس در این پروژه در نظر گرفته شده‌اند. این پروژه ۵ سال به طول خواهد انجامید و هر سال تیم‌های مختلف برای بررسی شبکه‌های مختلف عازم کرانه‌های خلیج فارس خواهند شد.

عباس مقدم (سرپرست پروژه بررسی‌های باستان‌شناسی فراگیر در کرانه‌ها و جزایر خلیج فارس و سواحل مکران درخصوص جزایی و لزوم اجرای چنین پروژه‌ای در سواحل خلیج فارس، گفت: پیش از این پروژه و برای سال‌های متمادی بر اساس گفته‌های تاریخ‌دانانی مانند دهمورگان و… گفته می‌شد به دلیل تغییرات آب خلیج فارس، هیچگاه استقرارگاه‌های پیش از تاریخ در این منطقه برقرار نشده است. از آنجا که سال‌ها بسیاری از باستان‌شناسان ایرانی بر اساس حرف‌ها و پیش‌بینی‌های این افراد کاوش می‌کردند و توجه زیادی به حرف‌های آن‌ها داشتند از این رو هیچگاه به سراق مناطق سواحل خلیج فارس برای کاوش نرفتند. درواقع بی‌جویی برای این مهم نداشتند که برای یافتن شهرهای پیش از تاریخ کرانه خلیج فارس را نیز جستجو کنند. این درحالی است که طی سال‌های اخیر به طور تصادفی یک یا دو سایت مشخص شد و همین امر دلیلی شد تا پروژه بررسی‌های باستان‌شناسی فراگیر در کرانه‌ها و جزایر خلیج فارس و سواحل مکران را تعریف کنیم تا برویم و ببینیم در این پهنه چه خبر است.

او ادامه داد: نیازمند دریافت اطلاعات دقیق درخصوص پراکندگی زیستگاه‌ها در کرانه‌های خلیج فارس هستیم باید بدانیم که چه کیفیتی داشتند، چگونه بودند، کجا بودند و مربوط به چه تاریخ‌هایی هستند. بررسی‌هایی که تاکنون انجام گرفته دست آوردهای چشمگیری داشته چنانکه موفق به شناسایی تعدادی از شهرهای ساحلی دوره اواخر ساسانی و اوایل دوره اسلامی شدیم که بسیار مهم است. این شهرها کاملاً به آب چسبیده هستند و با توجه به وسعت این شهرها که در کرانه خلیج فارس بدست آمده می‌توانیم تاریخی دقیق‌تر برای این منطقه تعریف کنیم.
حتا در یکی از پروژه‌های شناسایی که در محوطه‌ای ۵۰ه در ۵۰ کیلومتر در بوشهر انجام شد، موفق به شناسایی ۱۱ سایت پیش از تاریخ شدیم که به هزاره پنجم مربوط می‌شود. درواقع این کشفیات چهره تاریخ استقرار در کرانه خلیج فارس را تغییر خواهد داد.

سرپرست پروژه بررسی‌های باستان‌شناسی فراگیر در کرانه‌ها و جزایر خلیج فارس و سواحل مکران در پاسخ به این سؤال که آیا با کشفیات جدید باستان‌شناسان می‌توان ارتباطی بین استقرار در کرانه‌های خلیج فارس و محوطه‌های باستانی نزدیک به این منطقه از چگاسفلی گرفته تا شوش و… برقرار کرد، گفت: بله چرکه. نه چگاسفلی به این محوطه‌ها بسیار نزدیک است ضمن آنکه آثاری که تاکنون از این محوطه‌ها بدست آمده

معماری سعدیه از کدام بنای مشهور اقباسی شده‌است؟

«از تکاپای خارج از شیراز، قبر شیخ صالح معروف به سعدی است که از بزرگترین شعرای زبان فارسی است. وی خانقاهی داشته که آخر عمرش را در آنجا صرف می‌کرده است. داخل این بقعه باغ زیبایی است که در جوار آن نهز بزرگی جارسیست و شیخ حوض کوچکی از سنگ مرمر برای شست و شو ساخته بود. مردم این شهر به زیارت قبر می‌آیند.»
ابن بطوطه، جهانگرد مراکشی در کتاب «تحفة النظار فی غریب المصار» درباره آرامگاه سعدی اینگونه می‌نویسد.

به گزارش ایسنا، آرامگاه سعدی یک باغ-مزار است. یعنی مزار یا آرامگاه او با یک باغ دوهه شده و در ترکیب با یک باغ طراحی شده است. آرامگاهی که شاید بتوان باغ را نشانه و نمادی از جهان پس از مرگ دانست.

قدمت آرامگاه سعدی به قرن هفتم بازمی‌گردد. تغییراتی که در بنای آن صورت گرفته اما فراوان بوده و این آرامگاه طی سالیان طولانی دستخوش تغییرات بسیار شده است. تغییراتی که گاه با ساخت و گاه با تخریب همراه بوده است. ایجاد دزگرونی در این بنا اما در نهایت به سال ۱۳۳۱ ختم شد و بنای سعدیه به دست محسن فروغی، معمار مدرنیستی که البته به تاریخ و فرهنگ ایران هم وفادار بود شکل گرفت. این بنا بر حسب پیشنهاد انجمن آثار ملی فارس و با تلاش‌های علی اصغر حکمت شیرازی به فروغی سپرده شد تا در اردیبهشت ماه سال ۱۳۳۱ به پایان برسد.

پروژه ساخت آرامگاه سعدی در سال ۱۳۲۹ آغاز شد. گفته می‌شود که محوطه باغ اطراف بنای حدود ۷ هزار و ۷۰۰ متر وسعت داشته است. قسمت‌های زیر بنا ۲۶۱ متر مربع و بقیه مساحت را باغ تشکیل می‌داده است. البته باغ در طول سالیان افزایش یافته و

باستان‌شناسان در حال تغییر تاریخ استقرار در کرانه و جزایر خلیج فارس

رمزگشایی از محوطه‌های تاریخی در کرانه‌های خلیج فارس

سرپرست پروژه بررسی‌های باستان‌شناسی فراگیر در کرانه‌ها و جزایر خلیج فارس و سواحل مکران از شناسایی چندین محوطه پیش از تاریخ در کرانه‌های

خلیج فارس خبر داد و گفت: چندین دهه به دلیل صحبت‌های برخی مورخان توجهی به باستان‌شناسی و استقرار در کرانه‌های خلیج فارس نمی‌شد اما یافته‌های جدید این باور را تغییر خواهد داد.



تاریخ در کرانه‌های خلیج فارس علاوه بر ارتفاعات و دشت رسوبی که سایر مردمان نیز از آن برخوردار بودند از دو ویژگی دیگر از جمله دسترسی به دریا که سرشار از منبع غذایی است و همچنین دسترسی راحت‌تر به سایر مناطق همجوار دریا برخوردار بودند. درواقع جوامعی که در کرانه‌های خلیج فارس ساکن بودند خیلی راحت‌تر از جوامعی که در ارتفاعات زندگی می‌کردند به مناطق کرانه‌ای که امروزه به نام‌های بوشهر، دیلم و حتا عراق و کویت می‌شناسیم و… دسترسی داشتند. تمام این نکات انجام مطالعات عمیق‌تر در این منطقه را گوندز می‌کند و لزوم آثارم جامعه‌باستان‌شناسی توجه بیشتری به این منطقه داشته‌باشد.

مقدم با اشاره به کاوش‌هایی که در سایت تهماچی صورت گرفته، گفت: تل‌تهماچی، محوطه‌ای پیشاتاریخی است که در فاصله اندکی از کرانه‌های فعلی خلیج‌فارس جای دارد و با وسعتی در حدود هفت هکتار و نهشته‌های فرهنگی بالغ بر ده‌متر که برپایه شواهد سطحی، توالی زمانی اواخر هزاره ششم تا اواسط هزاره سوم پیش از میلاد را داراست، همچون سنگ‌گیری جوامع هرچه بهتر جوامع پیش‌از تاریخی در کرانه‌های شمالی خلیج فارس است. در این سایت تعداد زیادی استخوان و آثار حیوانات دریایی و ماهی بدست آمد که نشان از ایده‌آل بودن این منطقه برای زندگی جوامع پیش‌از تاریخ است.

بخش‌های دیگری به آن اضافه شده است. بر اساس پژوهش‌هایی که در زمینه بررسی بنای آرامگاه سعدی انجام گرفته است، این بنا مجموعه‌ای از عناصر سنتی و مدرن را داراست که الگو و هندسه آن طرحی اقباسی از مقبره‌های دوره اسلامی است. پژوهش‌های صورت گرفته حاکی از آن است که در طرح این بنا عناصری از جمله ایوان ستون‌دار، فضای گنبدخانه و رواق دیده می‌شود. ایوانی که به گنبدخانه این بنا وصل شده و رواقی که برای رسیدن به مزار شاعر فقید محمد تقی شوریده استفاده می‌شود نیز از جمله آن‌هاست. کارشناسان معماری معتقدند که عناصر تزئینی نیز در این بنا به کار گرفته شده است. استفاده از سنگ‌های رنگین که حجاری و صیقلی شده، کاشی‌های فیروزه قام و … نیز در این بنا به چشم می‌آید. ایوان ستون‌دار، گنبدخانه و رواق نیز از عناصر اصلی بنای آرامگاه سعدی هستند. عناصری که پراهمیت در معماری ایرانی است و به طریقی در کنار یکدیگر قرار گرفتند که فضای خاصی را ایجاد کنند. ایوان این آرامگاه از بنای چهل‌ستون اصفهان اقباس شده است که قرار گرفتن حوضی کوچک نیز به استفاده از این گاه‌دام می‌زند. بعضی از کارشناسان معتقدند که معماری آرامگاه سعدی را می‌توان در چند ویژگی خلاصه کرد. بر همین اساس می‌توان معماری برون‌نگاری، معماری متقارن، استفاده از نشانه‌ها و عناصر خطی-عمومی، تقسیمات عمودی در نما و استفاده از مصالح سنگ و سیمان را از ویژگی‌های این بنا دانست؛ به عنوان مثال معماری برون‌گرایی در ایوان ستون‌دار این بنا با فضایی که رو به محوطه است مشاهده می‌شود. کارشناسان معتقدند که دید مختلف از فضای بیرون به داخل نشانه برون‌گرا بودن بنای آرامگاه است.

خلیج فارس خبر داد و گفت: چندین دهه به دلیل صحبت‌های برخی مورخان توجهی به باستان‌شناسی و استقرار در کرانه‌های خلیج فارس نمی‌شد اما یافته‌های جدید این باور را تغییر خواهد داد.

فرهنگ و هنر

اخبار

چرا جای کارگران در آثار هنری خالی است؟



مهرداد کوروش‌نیا معتقد است پرداختن به مسائل طبقه کارگر اگر در حد مطرح کردن مسائلی همچون فقر و نیازهای اولیه باشد، از نظر هنری، ارزشمندی چندانی ندارد و برای خلق یک اثر درماتیک باید به وجوه فلسفی و ابعاد اجتماعی زندگی آنان بپردازیم.

این نمایشنامه‌نویس و کارگردان تئاتر که عموماً در آثارش دغدغه مسائل اجتماعی را دارد، همزمان با روز جهانی کارگر و در پاسخ به این پرسش که چرا جای طبقه کارگر در تئاتر ما خالی است، به ایسنا گفت: با بررسی تاریخ تئاتر از دوران یونان باستان، متوجه می‌شویم در تئاتر ارستویی که روابط علت و معلولی دارد، عموماً قهرمان‌های تئاتر از طبقه اشراف، نجیب‌زادگان یا خدایان هستند چراکه‌قرار است تئاتر، مسائلی فراتر از نیازهای اولیه را مطرح کند.

او با اشاره به طبقه‌بندی نیازهای انسان بر اساس هرم مازلو، ادامه داد: از آنجا‌که قرار نبوده در تئاتر نیازهای اولیه مانند خوراک، امنیت و تولیدمثل برای بقا و… را مطرح کنند، بنابراین باید سراغ طبقه‌ای می‌رفتند که این بخش از نیازهایش تأمین شده بود و چون فقط در طبقه اشراف و نجیب‌زادگان می‌شد به موضوعاتی مانند دوشکوفایی و پرداختن به علم و هنر که ساحت بالاتری از نیازهای انسانی است، پرداخت، بنابراین عموماً قهرمان‌ها آثار نمایشی از این طبقات بودند.

این مدرس تئاتر افزود: مشکلی که در زمینه پرداختن به طبقه کارگر در تئاتر وجود دارد، این است که اگر مسایلی مانند فقر یا نیازهای اولیه را مطرح کنیم، رویکردمان بسیار ژورنالیستی خواهد بود و موضوع تازه‌ای برای آموزش به مخاطبان نداریم. بنابراین پرداختن به این طبقه به لحاظ هنری زمانی درماتیک، ارزشمند و ماندگار است که فراتر از این نیازها را بررسی کنیم. با این نگاه اگر قرار باشد به طبقه کارگر توجه کنیم، باید ابعاد فلسفی مشکلات آنان را ریشه‌یابی کنیم و این گونه است که پرداختن به مسائل طبقه کارگر، ظرافت‌ها و سختی‌های خاص خود را دارد.

کوروش‌نیا با تاکید بر اینکه طبقه کارگر، طبقه‌ای مهم، اثرگذار و فراگیر در جامعه است، در عین حال خاطرنشان کرد: اینکه چگونه در قالب یک اثر درماتیک به مسائل بنیادی، تفکری و دغدغه‌های فلسفی آنان نزدیک شویم، کار دشواری است.

بزرگ‌ترین مجسمه برنزی پایتخت رونمایی شد

از بزرگترین مجسمه برنزی پایتخت در میدانگاه سعدی تهران رونمایی شد.

به گزارش ایسنا، صبح دیروز (دوشنبه) مراسم رونمایی از بزرگترین مجسمه برنزی پایتخت در میدانگاه سعدی برگزار شد.

در این مراسم محمد مهدی اسماعیلی (وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی)، غلامعلی حداد عادل (رییس فرهنگستان زبان و ادب فارسی)، مهدی چمران (ریاست شورای اسلامی شهر تهران) و جمع دیگری مسئولان شهری حضور داشتند.

این مجسمه برنزی از شاعر فارسی‌زبان، سعدی شیرازی ساخته شده است و سازنده آن دهقان محمدی هنرمند مجسمه‌ساز است.

در مراسم رونمایی از این مجسمه محمد مهدی اسماعیلی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز حضور داشت و اظهار کرد: این هفته به نام هفته بزرگداشت سعدی بود که برنامه‌های خوبی به این مناسبت برگزار شد. وی گفت: امروز نیز با مساعدت سازمان زیباسازی شهرداری تهران و شورای شهر تهران توانستیم این تندیس را در این میدانگاه جدید بهره‌برداری کنیم. وزیر ارشاد اسلامی تاکید کرد: گام بعدی پرده‌برداری و رونمایی از مجسمه حکیم نظامی در میدان ونک خواهد بود. او نیز با مفاخر بزرگ ایران زمین است.

وی افزود: این رویکرد در حال تقویت است. ان‌شاءالله در تهران و سایر مناطق کشور توجه جدی به احیای نام مفاخر بزرگ خواهیم داشت که بختی هویتی، ملی و تمدنی است.

چه کسی «بنان» را مجبور کرد خواننده شود؟

وزیری بود که مجبورش کرد؛ «صدایی داشتم که می‌خواستم گاهی افتخاری بخوانم. کنلن وزیری وادارم کرد؛ مدام گفت «بخوان بخوان بخوان». به همین دلیل هم چیزی نگرفتم و اگر خواننده بومد باید پولی می‌گرفتم. حقوقی که دولت برای ما تعیین کرد را که دیگر نمی‌شد نگرفت. آن موقع یک موسسه‌ای بود که دولتی حقوق می‌داد. من از شخص چیزی نگرفتم. من صد من هم از یک شخص یا فرد که بروم منزلش و بگویم که بی‌زحمت تقبل کنی‌د تا بخوانم، نگرفتم. برای اینکه می‌دانم اگر قرار بود پول بگیرم و بخوانم هیچوقت آواز خوب نمی‌خواندم. آواز باید به من اثر کند. من اگر برای پول بخوامم بخوانم یک چیز مزخرفی می‌خوانم. آنگونه همه حواسم بی این بود که پول بگیرم و در بروم و آوازم یک چیز مزخرفی می‌شد. دیگر آن سوز و حال و انرژی را نداشت.»

«بیشتر چیزهایی خواندم که هارمونی دارد و سعی می‌کردم چیزهای مشکل و جاقانده را که رویش زحمت بکشم، بخوانم.» بنان در پاسخ به اینکه از بین کسانی که با شما ساز زدند، از ساز زدن کدام بیشتر لذت می‌بردید؟ گفته بود: «متأسفانه همه آنها مردند. حسینعلی وزیری تبار بود که کلارینت خیلی خوب می‌زد و فرنگی‌ها ماتاشن می‌برد. صدا بود، بیانونی مرتضی‌خان بود، جواد معروفی بود. حالا که همه مردند ولی بهترینشان مرتضی‌خان محبوبی بود.»

